به نام خدا

تاثیرات اشتغال بر توانمند سازی زنان و سبک زندگی آنان در منطقه فرحزاد:

هدا مبصری و ملیکا علیمحمدی

موسسه مهر و ماه

طرح مساله:

طبق مفاد اهداف توسعه پایدار٬ موسسات مردم نهاد در سطح محلی٬ منطقه ای و جهانی برنامه های اجرایی را جهت توان افزایی زنان دنبال می کنند. موسسه مهر و ماه هم در این راستا اقدام به اشتغال زایی برای زنان در منطقه فرحزاد نموده است. در این تحقیق به بررسی اشتغال زنان و توانمند سازی آنها در کنار امکان تغییر سبک زندگی ایشان پرداخته ایم.

یکی از مولفه های فعالیت روزمره همان انتخاب هایی است که به طور عادی به عمل می آوریم. ما در این تحقیق همین انتخاب های روزمره و عادی را موردنظر قرار داده ایم. هرچه انتخاب ها از چهارچوب های سنتی بیرون بیاید عاملیت زنان بیشتر می شود. زنان تصمیم به کار کردن را جدا از خانواده نمی گیرند. رفعت جاه تاثیر اشتغال زنان را بر تغییر سبک زندگی آنان مورد مطالعه قرار داده است. مریم سروش و حلیمه عنایت(۱۳۹۲) بر روی سطح تحصیلات زنان جهت توانمند سازی و قدرت تغییر سبک زندگی تاکید می کنند. در تحقیق ما زنان به حاشیه رفته موقعیتی متفاوت و پرچالش داشتند. اما اشتغال در سطوح مختلف می تواند نویدبخش تغییر در سطح توانایی و تحول سبک زندگی موثر باشد.

روش انجام تحقیق:

روشی که برای جمع اوری اطلاعات از آن بهره گرفتیم کیفی و شیوه مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. مصاحبه شوندگان به عنوان صاحبان دانش توسط سوالات ما هدایت شدند تا بتوانند ما را یاری دهند تاثیرات اشتغال را بر توانمندی ایشان و سبک زندگیشان بررسی کنیم. مصاحبه ها ضبط شدند و بعد از پیاده شدن در جدول اکسل به توجه به مفهوم پردازی های ما در تحقیق دسته بندی شده و تحلیل گردیدند.

در میان افراد مورد تحقیق که تعداد انها به ۱۴ نفر میرسید ۱۰ نفر حاضر به مصاحبه شدند. نمونه گیری ما از طریق موسسه مهرو ماه و زنان شاغل در این موسسه صورت گرفت. تمام مصاحبه شوندگان در محیط دفتر موسسه مهرو ماه در منطقه فرحزاد مصاحبه شدند. ۲۴ سوال پرسیده شد که مشخصات زمینه ای٬ شرایط خانوادگی در کنار تاثیرات اشتغال زنان بر وضعیت اقتصادی ٬ سبک زندگی و نوع مدیریت خانواده و بعلاوه خودآگاهی نسبت به مسایل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها:

الف) ویژگیهای زمینه ای:

۶نفر از زنان متاهل و ۴ نفر انها مجرد بودند . ۶ نفر از انها افغانستانی و ۴ نفر از انها ایرانی بودند . طیف سطح تحصیلات زنان نمونه از مقطع دیپلم تا سواد ابتدایی بود. اغلب در حد خواندن و نوشتن سواد داشتند که البته دو نفر از انها در کودکی تحصیل نکرده بودند و بعد از اشنایی با مهروماه از طریق کلاس های نهضت سواد خواندن و نوشتن را اموخته بودند.

اغلب افراد نمونه تحقیق اولین مرحله اشنایی شان با موسسه مهروماه از طریق فرزندانشان بوده است و بعد از مدتی جذب کلاس ها و کارگاه های مهروماه شده بودند و در زمینه های متفاوت مهارت کسب کرده یا مهارت های پیشین خود را پرورش داده اند. وجود برخی کلاس های اموزش مربی و کمک مربی پیش دبستانی، توسط خود موسسه مهرو ماه و یا ارجاع افراد به کارگاه های جهاد دانشگاهی منجر به افزایش مهارت زنان در این زمینه شده بود. در حوزه خیاطی هم افراد یا از ابتدا مهارت داشتند یا در حد ابتدایی با کار اشنا بودند و موسسه شرایط یادگیری بیشتر را برای انها فراهم کرده و داخل یا خارج از موسسه شرایط کار را برای زنان فراهم کرده است .

همه افراد ساکن محله فرحزاد و غیر از یک نفر همه مستاجر بودند . بیشتر از نیمی از زنان پدر یا همسرانشان با اشتغال انها مخالفتی نداشتند . این مساله به واسطه نزدیکی محل کاربه محل سکونت و زنانه بودن محیط کار بود . بقیه افراد هم در ابتدای کار همسر یا پدرشان مخالفتی داشتند بعد از اشنایی بیشتر با موسسه مخالفتشان برطرف شده بود .

ب ) تاثیر اشتغال بر توانمندی روانی و عملی در خانواده:

دو نفر از زنان پیش از کار کردن افسردگی داشتند و پس از اشتغال میزان افسردگی در انها کمتر شده بود ٬ بعلاوه استفاده از خدمات مشاوره ای باعث کاهش چشم گیر افسردگی در انها شده بود . آنها با گزاره هایی چون “حس بهتری دارم” یا “ خیلی دوست دارم سرکار رفتن رو” رضایت خود را از اشتغالشان ابراز می کردند. تمامی افراد اشتغال را به درخانه ماندن ترجیح میدادند. علاوه بر موارد بالا مسایل دیگری هم در خصوص توانمندی زنان عنوان شد. زهره بابایی گفت “وقتی اینجا میام همیشه یه چالشی هست که ذهنم درگیرش بشه....مثل تابستون تو خونه نیست که آدم همش بیکار باشه و هیچ هدف معینی نداشته باشه”.

سه نفر از زنان مورد مصاحبه ابراز کردند که در سطح خانوادگی و روابط با اعضاء خانواده تغییر کرده اند. از میان این سه نفر زهره بابایی گفت: “اینجا کتاب معرفی می کنن می خونیم. اون کتاب ها خیلی کمک کننده بود تو تربیت بچه ام و مشکلات خانوادگی”. نغمه عبداللهی به احساس پوچی و افسردگی پیش از اشتغال اشاره کرد و گفت قبلا توی خونه حوصله ام سر می رفت....همش می شورم و می پزم و هیچ کاری نمی کنم. قابل توجه است که کار بدون مزد خانه برای این زن کار محسوب نمی شده. آسیب شناسی تفکر عمومی نسبت به کارخانگی درمقابل کار بیرون از منزل توجه ما را به این مساله اجتماعی جلب می کند. مهتاب خانعلی به مشاجراتش با پدرش اشاره کرد و گفت پیش از اشتغال از پدرش کتک می خورده ولی حالا اعتراض هایش را با دلیل و منطق ابراز می کند. او از واژه پیشرفت استفاده کرد و گفت دیگه آدم قبلی نیستم.

شیما معصومی گفت که به خاطر اصرار خانواده اش به شوهر کردن کتک می خورده. اما حالا که کار می کند و مستقل شده احساس می کند که منطقی با خانواده اش صحبت می کند و کمی از این فشار کم شده است. شهره آریایی گفت که پیش از کار کردن “انگار دختر ۱۴ ساله بوده. فکر و نگاهش خیلی بسته بوده”٬ عنوان کرد که بازیگوش بوده. “الان ولی وقتی با بقیه ارتباط گرفتم فهمیدم خیلی خانواده خوب و روشن فکری دارم که منو زود شوهر ندادن”. این مهارت ارتباطی به نوعی دیگر در صحبت های مریم نورایی خود را نشان می دهد٬ اینکه قبلا اصلا نمی توانسته ارتباط بگیرد با آدمها. بعد از اشتغال این وضعیت خیلی بهتر شده.

یکی دیگر از این زنان اعلام نمود که به لحاظ فنی در کارگاه توانمند شده است و می تواند چرخ خیاطی خراب شده را درست کند. او همچنین بیان کرد که به صورت قسطی برای خودش چرخ خیاطی خریده است. فرد دیگری توجه به کودکان آسیب دیده را مورد توجه قرار داد و عنوان نمود که قبلا توجهی به مسایل اجتماعی نداشته اما حالا که سرکار می آید نسبت به این امر حساس شده است.

ج) تاثیر اشتغال بر توانمندی اقتصادی زنان:

طیفی از مشارکت اقتصادی زنان در هزینه های خانواده مورد اشاره مصاحبه شوندگان قرار گرفت. برخی ابراز کردند که حقوق موسسه کمک کننده بوده و آنها کمک خرج شده اند. شیما معصومی اشاره کرد که هنوز فشار اقتصادی را حس می کند ولی هزینه های درمان مادرش را با حقوقش تامین می کند. مریم نورایی نیز درگیر هزینه های درمانی دختر نابینایش و پوکی استخوان وی بود. او گفت “ خرجمون واقعا زیاده......ولی خب خداروشکر خیلی تلاش می کنم بیشتر کار کنم بیشتر پول دربیارم ”. شهره آرمان عنوان کرد “کار کردن من تو هزینه های خانواده خیلی تاثیر داشته. این سفرمون به افغانستان تقریبا بیشتر هزینه رو من دادم”. نبیلا همتی با لحنی شیرین گفت که برای برادرش تولد گرفته است.

شش نفر طرح کردند که سابقه آزار جسمی و روحی نداشته اند. آزاده صمیعی از پرخاشگری همسرش گفت و اینکه کتکش می زده و اذیتش می کرده و ازش کار می کشیده. شیما معصومی گفت “فقط کتک زدن های بابام بوده’. استفاده از واژه فقط ما را به این فکر وا می دارد که انتظار این دختر از آزار جسمی و روحی چه می تواند باشد که فقط کت خوردن برایش معمول جلوه می کند. مهتاب خانعلی گفت که پدرش کتک شان می زند و گاهی پدر را به دکتر می برند تا آرام بخش مصرف کند. آسیب روانی دراینجا توجه ما را به خود جلب می کند. نبیلا همتی هم توضیح داد که تا مادر و پدرش می خواهند کتکش بزنند فرار می کند.

د) تاثیر اشتغال بر سبک زندگی زنان:

در این بخش برخی توضیحات جانبی زنان مورد مصاحبه را نسبت به تغییر سبک زندگی آنها یاد آور می شویم. نغمه عبداللهی از کلاس های با من بخوان در موسسه گفت و اعلام کرد که موسسه به وی پیشنهاد کمک مربی شدن داده است. او از دوره هایی با دوستانش گفت که با هم کتاب می خواندند. میل به یادگیری در این زن قابل توجه است. او همچنین درمورد روابط خانوادگی اش گفت که شوهرش می داند چطور با بچه صحبت کند و محبت کند. او از واژه صمیمیت در خانواده شان استفاده کرد. شیما معصومی هم از روابط خوبش با مادرش گفت. اما ابراز کرد که پدرش رابطه خوبی با آنها ندارد. مساله اش هم این است که آنها دختر هستند. او از کتک خوردن از پدرش گفت و البته توضیح داد که الان کمتر از قبل کتک می زند. او گفت پدرش با مادرش دعوا می کنند و او را هم کتک می زند.

مریم نورایی از تغییر در رفتارش در خانواده گفت. او اعلام کرد شوهرش به وی می گوید از وقتی رفتی سرکار توی مهر و ماه پر رو شدی٬ او ادامه داد قبلا وقتی بحث میشد نمی تونستم جواب بدم یا کاری کنم اما الان نترس تر شدم و از پس خودم بر میام. این زن از همکاری دختر نابینایش در کارهای دوخت و دوز گفت. از تاثیر دوچهره کارش گفت. در ضمن اینکه بچه هایش خوشحالند که مادر کار می کند و دستشان جلوی دیگران دراز نیست اما گاهی هم خسته می شوند از ماندن در خانه و می گویند مامان نرو سر کار. او گفت که درس یکی از دخترانش به خاطر کمک به مادر در کارهایش ضعیف شده بوده. ثنایی گلایه کرد که بچه هایش کوچکند و کار کردن وی بیرون از خانه باعث شده توجهش به کار خانه کم شود. زهرا قدیری ابراز کرد که بچه ها و همسرش وقتی می بینند او کار می کند بیشتر مراعاتش را می کنند.

نغمه عبداللهی معتقد بود کار کردن وی او را از تربیت بچه اش باز نداشته اما خاطرنشان کرد که بچه را با خود به سرکار می برد و گاهی فکر می کند نکند راحتی بچه اش را از او گرفته است. آزاده صمیعی از بی مسئولیتی شوهرش گفت و اینکه خرج خورد و خوراک خانواده را نمی داده است. او گفت طلاق می گرفتم یا نمی گرفتم فرقی نمی کرد. او گفت شوهرش همه چیز را ول کرده و به افغانستان رفته. “منم می خواستم برم افغانستان ولی اونجا غریب بودم. پسرم گفت مامان من نمیام. منم گفتم بمونم اینجا پیش بچم ”. او هم دختر کوچکش را با خود سرکار می برد و نکته مثبتی را درمورد دخترش مورد اشاره قرار داد. او گفت قبلا دخترش گوشه گیر بوده ولی الان دیگر اینطور نیست. ثنایی از شلوغ بودن سرش گفت و اعلام کرد که “کلاس هایی که در مهرو ماه می رم باعث شده اصلاحات جدیدی برای زندگیم و تربیت بچه هام کسب کنم”. زهرا قدیری از تاثیر کارش در تربیت بچه هایش گفت.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

به نظر می رسد اشتغال زنان مورد مطالعه که به وسیله موسسه مهروماه تسهیل شده است عامل توانمندی آنان در سطح روانی٬ عملی و اقتصادی بوده است. بعلاوه اشتغال بر سبک زندگی ایشان نیز تاثیرگذار بوده. الگوی سنتی تقسیم کار جنسیتی که حوزه فعالیت زنان را در کار خانگی خلاصه می کند و نان آور خانواده بودن را وظیفه مرد می داند٬ در این تحقیق به چالش کشیده شده است. با وجود کوچک بودن جامعه نمونه می توان گفت زنان قابلیت بسیاری در مدیریت کار بیرون از منزل در کنار کارهای خانه دارند و آسیب های روانی-اجتماعی- اقتصادی آنان را از تلاش برای تحقق امنیت مالی و خانوادگی باز نمی دارند.

منابع:

سروش٬ مریم و عنایت٬ حلیمه (۱۳۹۲) “زنان٬ ساختار و عاملیت آیا زنان می توانند سبک زندگی خود را انتخاب کنند؟” ٬ مجله مطالعات زنان٬ سال ۱۱ ٬ شماره ۲٬ صص ۵۹-۹۰

Lin,Ning (2015) “Women’s economic empowerment, Global to Local”, Jera International Young Women’s Program Research